



CLUB III

سامان سیاسی در جوامع در حال دگرگونی

(ساموئل هانتینگتون)

جلسه ششم

19 slides

سامان کریمی

sasankarimi.ir

انقلاب:

دگرگونی سریع، کامل و خشونت آمیز در ارزش ها، ساختار اجتماعی، نهادهای سیاسی، سیاست های حکومتی و رهبری سیاسی-اجتماعی.

هر چه این تغییرات تمام تر، انقلاب بزرگتر و اجتماعی تر

اصلاحات

دگرگونی هایی که دامنه شان محدودتر باشد و از نظر سرعت، رهبری، خط مشی و نهادهای سیاسی فصلتی میانه روانه تر دارند.

جهت دگرگونی | پهنه دگرگونی | درجه دگرگونی

اصلاحات

اصلاح طلب ناچار است هم بر ضد محافظه کاران و هم در برابر
انقلابیون بجنگد.
دشمنان او در یک جبهه ممکن است متحدان او در جبهه ای دیگر
باشند.



اصلاحات

- هدف انقلابی: دو قطبی کردن سیاست، ایجاد و انباشت شکاف ها، دامن به انعطاف ناپذیری، تابو سازی،
- هدف اصلاحگر: تفکیک شکاف ها، نرمش و تطبیق پذیری جامعه،
- یک اصلاحگر بیش از یک انقلابی به مهارت سیاسی نیاز دارد.
- اصلاحات از آن رو کمیاب است که استعدادهای سیاسی برای تحقق آن کمتر پیدا می شوند.

اصلاحات

دو نوع اصلاحگری:

۱. ضربتی: همه هدف هایش را آشکارا اعلام می کند و به امید دستیابی به بسیاری از این هدف ها تا آنجا که می تواند بر آنها تاکید می کند.

۲. فابییانی: پنهان کردن هدف ها و جدا کردن اصلاحات از یکدیگر و دنبال کردن تنها یک دگرگونی در یک زمان معین. (آتاتورک)

ترکیب دو روش

اصلاحات

رهبر اصلاحات باید با استفاده از قدرت متمرکز خود، پیش از آنکه مخالفان بتوانند پشتیبانانشان را بسیج کرده، تعداد افراد سهیم در قدرت نظام و حجم قدرت را افزایش داده و در نتیجه از دگرگونی جلوگیری کنند، اصلاحاتش را به سرعت پیاده کند.

اگر چیزی یکباره و ناگهانی مطرح شود معمولاً چنان مایه شگفتی می شود که مخالفان را خلع سلاح می کند.

اصلاحات

اصلاحگر در هر مرحله باید کنترل کند که حامیانش از مخالفانش
نیرومندترند.
انقلابیون و محافظه کاران در زمینه نو پدید با مشکل مادی روبرو
نیستند.

اصلاحات

خشونت

اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهم بدون خشونت و احتمال وقوع انقلاب رخ نمی دهند.
اصلاحگر باید بتواند از این خشونت ها برای پیاده کردن اصلاحات مورد نظر خود سود ببرد.
کارآمدی خشونت بستگی دارد که این خشونت تا چه به تهرک گروه های تازه و کاربرد شگردهای نوین سیاسی دامن بزند.

(فشار از پایین)

اصلاحات

یک ایده، انقلاب در کاخ به جای انقلاب در خیابان است. ایده برزیلی:
پیش از آنکه مردم دست به انقلاب بزنند، ما خود باید انقلاب کنیم.
(انقلاب سفید)

روش های تازه در خشونت به کار می آید نه خود خشونت فی نفسه.
(خودسوزی در تونس)

اصلاحات

اصلاحات: جانشین یا تسهیلگر انقلاب؟

انقلاب کافی و زمین لرزه های کوچک
برای تخلیه فشار و جلوگیری از انقلاب های بزرگ

ایده کندی

از جمله در انقلاب سفید

اصلاحات متوالی و برنامه ریزی شده و انقلاب کافی به عنوان جانشین
انقلاب های سیاسی و اجتماعی

اصلاحات

نظریه دوه:

اصلاحات نه تنها ممکن است تاثیر مثبتی در استواری سیاسی نداشته باشد، بلکه به ناستواری بیشتر و حتی به انقلاب منجر شود:

جنبش مقاومت ملی، انقلاب سفید، انقلاب اسلامی

در تاریخ، انقلاب های بزرگ، غالباً پس از دوران اصلاحات رخ داده اند، نه در پی دوران رکود و سرکوبی

اصلاحات

دو توکویل:

خطرناکترین لحظه برای یک حکومت بد، زمانی است که بخواهد روش‌هایش را اصلاح کند.

پالمر: اگر بتوان یک رژیم را به اصلاحات وادار کرد، انقلاب تسریع می‌شود، ولی اگر خودخواسته باشد، احتمالاً انقلاب را به عقب می‌اندازد.

اصلاحات اگر در جهت برآوردن خواسته‌های طبقه متوسط شهری باشد تسهیلگر انقلابند ولی اگر برآورنده‌ی خواست‌های روستاییان باشند، چنانشین انقلاب خواهند شد.

تناقض آمریکا: اصلاح در درون، مشت آهنین در بیرون

اصلاحات

دانشجویان و طبقه متوسط شهری دو شکاف بزرگ در ذهن دارند:

1. برابری، اشتراک اجتماعی و عدالت
2. عقب افتادگی در مقایسه با ملت های پیشرفته

اصلاحات

روستاییان آن زمانی انقلابی می شوند که اوضاع مالکیت زمین، اجاره داری، کار، مالیات، قیمت و غیره برایشان غیر قابل تحمل باشند.

در تاریخ هم عمل انقلابی روستاییان، در جهت اصلاح فوری، مستقیم و گاه خشونت آمیز اوضاع تحمل ناپذیر مادی شان بوده است.

اصلاحات

نمونه های اصلاحات ارضی:
ژاپن پس از جنگ دوم
کره جنوبی پس از جنگ دوم
هند پس از کسب استقلال
مکزیک پس از انقلاب
بولیوی

تقسیم اراضی اثر محافظه کار کننده ای دارد.

اصلاحات

امزاب

دولت بدون مزب شکننده است.

تمول امزاب:

جناح گرایی | گرایش به دو قطبی | گسترش | نهادمندی

از توجه شما متشکره

sasankarimi.ir